

## ترور دکتر رضا مظلومان در پاریس

روز ۲۸ مه ۹۶ (۸ خرداد ۷۵) پلیس فرانسه جسد دکتر رضا مظلومان، یکی از مخالفان جمهوری اسلامی ایران، را در خانه اش واقع در حومه شهر پاریس کشف کرد. براساس اطلاعاتی که پلیس فرانسه در اختیار مطبوعات گذاشته است، قاتل یا قاتلان بخاطر اعتماد مظلومان به آنان، به خانه او وارد می شوند و او را در حالی که کاملاً مطمئن بر روی مبل نشسته بوده است، با شلیک سه گلوله به قتل می رسانند. دو روز پس از وقوع قتل و براساس اطلاعاتی که دوستان مقتول در اختیار پلیس نهادند، پلیس فرانسه فردی بنام محمد جیحونی که در شهر بُن آلمان به کار کسب اشتغال دارد را به عنوان متهم تحت تعقیب قرار داد و از دولت آلمان خواست که وی را به دولت فرانسه تحویل دهد. فرد دیگری نیز در همین رابطه بعنوان عامل جمهوری اسلامی که در این قتل دست داشته، هم اکنون تحت پی گیری پلیس آلمان و فرانسه قرار دارد. دکتر رضا مظلومان در زمان حکومت پهلوی استاد رشته جرم شناسی در دانشگاه تهران و همبندطور معاون وزیر آموزش و پرورش بود.

## باز هم درباره مرگ بیش از پیش مشکوک احمد میرعلائی

اکنون دیگر همه قرائن چنین حکم می کنند که احمد میرعلائی مترجم نامدار ایرانی نمی بایست به مرگ طبیعی درگذشته باشد. همچنان که از نخستین روزها گفته شد بر جسد میرعلائی علائم تزریق آمپول مشهود بوده است. گزارش پزشکی قانونی پس از معاینه و آزمایش محل تزریق مشخص می کند که تزریق با سرنگی صورت گرفته است که قبلاً با آن "انسئین" تزریق کرده بودند. "انسئین" خاصه در مداوای بیماری قند بکار گرفته می شود و میرعلائی به

چنین بیماری مبتلاء نبوده است. پزشکی قانونی همچنین در گزارش خود می نویسد که نشانه های تزریق هوا در رگ های میرعلائی مشاهده شده است. همچنان که می دانیم، جسد میرعلائی را در یکی از معابر اصفهان یافته اند که در کنارش هم بطری نوشابه و پاکت سیگار به چشم می خورد. همه کس این نشانه های حضور فرهنگ حزب الله را می شناسد و طرفه اینجاست که میرعلائی مدتها بود که دیگر نه نوشابه ای می نوشید و نه سیگاری دود می کرد!

در آخرین ماههای زندگی مقامات امنیتی بیش از بیست بار میرعلائی را احضار کرده بودند. گاهی او را به تهران خواسته بودند و دفعات دیگر هم او را در اصفهان به مراسم سیزجیم خوانده بودند. مرگ می بایست در جریان یکی از این "پرسش و پاسخ های دوستانه" پیش آمده باشد. مرگ میرعلائی نیاز به بررسی و تحقیق دارد. توجه همه مراجع بین المللی و جمعیت های انسان دوست و طرفدار حقوق بشر را به این مرگ جلب می کنیم تا برای روشن شدن چگونگی وقوع مرگ مترجم ایرانی فعالیت کنند و به تحقیق به دلائل این مرگ بیش از پیش مشکوک پردازند.

## سوء قصد علیه یک ایرانی در جنوب لبنان

روزنامه "الحیات" (چاپ لبنان)، در صفحه اول شماره ۳۱ مه ۹۶، با تیتزر بزرگ، خبر از تیراندازی به یک ایرانی مخالف جمهوری اسلامی ایران، در یکی از محلات جنوب بیروت، داد. ایرانی یاد شده عبدالوهاب خضری نام دارد. پلیس بیروت او را در حالی که به شدت زخمی بوده یافته و به بیمارستان منتقل کرده است. به فاصله دو ساعت بعد، یکی از مأموران سفارت ایران در بیروت، به نام حجت الله، به بیمارستان مراجعه و خواستار تحویل و انتقال وی به نقطه دیگری می شود. فرد زخمی که در جریان این مسئله قرار می گیرد، فریاد

می زند که مخالف جمهوری اسلامی ایران است و در صورت تحویل وی به قتل خواهد رسید. مقامات بیمارستان نیز از تحویل ایرانی زخمی خودداری می کنند. از سوی دیگر، خبرنگار روزنامه "الحیات" برای تأکید خبر و اطلاع از سرنوشت ایرانی یادشده با مقامات امنیتی لبنان تماس گرفته و اطمینان حاصل می کند که دولت لبنان معالجه ایرانی یادشده را در مکان امنی دنبال خواهد کرد و برای روشن شدن دلائل زخمی شدن وی پرونده او را در اختیار دادستان بیروت قرار داده است. در همین خبر آمده است که ایرانی نامبرده، بنا به گفته خودش، در هفته پیش از وقوع حادثه دو بار مورد سوءقصد قرار گرفته بوده است.

## اعدام پنج تن در تبریز

بدنبال پاره ای درگیری ها و اعتراضات عمومی پس از انتخابات اخیر مجلس اسلامی ایران، ابعاد اعتراض در میان مردم شهر تبریز بالا گرفت و عاقبت منجر به تظاهرات اعتراض آمیز خیابانی از سوی اهالی شهر شد. اگر چه این خبر از سوی خبرگزاری ها و مقامات رسمی جمهوری اسلامی مکتوم ماند، اما، پاره ای گزارشات موجود (نظیر اطلاعیه حزب ملت ایران) حاکی از آن است که در پی درگیری میان مردم و مأموران انتظامی کشور، تعداد بسیاری از تظاهرکنندگان دستگیر و ۵ تن از آنان در ملاء عام به دار آویخته شدند. از سوی دیگر، امام جمعه شهر تهران در خطبه نماز جمعه ۲۴ اردی بهشت ماه ۷۵، ضمن اشاره به این رویداد ابراز خوشحالی کرد که "قائله" به سرعت خوابانده شد.

## حمله انصار حزب الله به سینماهای تهران

شنبه ۴ مه ۹۶، نزدیک به پنجاه تن از اعضای گروه سرکوب موسوم به انصار حزب الله به سینمای "آستارا"

تجربش حمله کردند و خواستار قطع بلافاصله پخش فیلم "تحفة هند" شدند. مهاجمین دلیل حمله خود را وجود صحنه های مبتذل و مفایر با ارزش های اسلامی، در این فیلم اعلام کرده اند. در این حمله شمار بسیاری از تماشاچیان مورد ضرب و شتم قرار گرفتند و شیشه های سینما نیز شکسته شد. فردای این روز، گروه دیگری از انصار حزب الله اینبار به سینمای قدس حمله بردند که همان فیلم را به روی صحنه آورده بود. براساس گزارش روزنامه "همشهری" طی این تهاجم زن بارداری توسط انصار حزب الله از بالکن سینما به پائین پرتاب و شدیداً مجروح شد. بدنبال این تهاجمات وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی چهار دقیقه از فیلم مزبور را سانسور کرد، در حالی که فیلم، طبق روال عادی، پیش از آمدن به روی صحنه سینما، از زیر سانسور این وزارتخانه گذشته بود. با این حال، انصار حزب الله خواستار توقف کامل پخش فیلم در سینماهای کشور شده است.

### هلال احمر در خدمت تروریسم

دفتر نمایندگی حزب دموکرات کردستان ایران در پاریس، طی اطلاعیه ای، بتاريخ ۲۵ آوریل ۹۶، اعلام کرد که شب یکشنبه ۲۱ آوریل ۹۶، یکی از اردوگاههای پناهندگان کرد ایرانی واقع در نزدیکی سلیمانیه عراق مورد حمله دسته ای از تروریست های اعزامی جمهوری اسلامی قرار گرفت. در این حمله که با مقاومت نگهبانان اردوگاه مذکور خنثی شد، یکی از مهاجمان بنام محمود دورانی زخمی و دستگیر شد. براساس اطلاعیه حزب دموکرات کردستان ایران، فرد دستگیر شده اعتراف نموده که گروه تروریست مزبور از سوی سازمان اطلاعات کرمانشاه و بوسیله آمبولانس های سازمان هلال احمر جمهوری اسلامی به کردستان عراق اعزام شده بود.

### تقاضای پناهندگی چهار ورزشکار تیم ملی ایران از بلژیک

چهار ورزشکار تیم ملی تکواندو ایران، پس از شرکت در مسابقات جهانی جام بلژیک، در تاریخ ۳ مه ۹۶، از دولت این کشور تقاضای پناهندگی کردند. این چهار تن (بنام های عباس مروانی،

عبدالمیر سلامت نیا، ابراهیم کریمی، علیرضا حسنعلی پور) دلیل مهم تقاضای پناهندگی خود را فشارهای جمهوری اسلامی ایران بر آنها برای آموزش اعضاء بسیج و اعضاء حزب الله لبنان و هم چنین عدم تمایل ایشان برای اجرای خواسته دولت اسلامی اعلام کردند. "کمیته ایرانی مبارزه با سرکوب و تروریسم دولتی جمهوری اسلامی ایران" برای دفاع از حق تقاضای پناهندگی این ورزشکاران، با انتشار اطلاعیه ای، بتاريخ ۹ مه ۹۶، خطاب به جامعه دفاع از حقوق بشر- فرانسه، از مسئولین این نهاد خواست که با کمک دیگر سازمانهای بشردوست جهانی از دولت بلژیک بخواهد که به تقاضای این پناهجویان پاسخ مثبت دهد.

### دوباره قتل علی رضا فرزانه فر

قتل علی رضا فرزانه فر ( جوانی که بدنبال تهاجم پاسداران به خانه اش از طبقه ۱۸ یکی از ساختمان های شهرک قدس به پائین پرتاب شد) موجی از نگرانی و اعتراض وسیع مردمی را برانگیخت. یک زن ایرانی طی مصاحبه ای از تهران با رادیوی ارفای (بخش فارسی)، بتاريخ ۱۸ آوریل ۹۶، در اینباره می گفت : مرگ علی رضا فرزانه فر تمام ساکنین تهران را شدیداً متأثر و عزادار کرد، چرا که مورد او شامل کل جامعه ایران می شود. عاملین مرگ او پاسداران بوده اند. باید مانع اینگونه دخالت ها و تهاجمات در زندگی خصوصی افراد شد. هیچ کس در ایران احساس آزادی و امنیت در مقابل اینگونه تهاجمات نمی کند. از سوی دیگر، یوسف ابوالفتحی، فرمانده ناحیه انتظامات تهران بزرگ، طی مصاحبه ای مطبوعاتی اظهار داشت که گویا پیش از حادثه مرگ به مأمورین انتظامی ناحیه غرب تهران خبر می رسد که تعدادی دختر و پسر در طبقه ۱۸ ساختمان A در مجتمع مسکونی تهران مهمانی ای بر پا کرده اند و رقص و پایکوبی آنان موجب نارضایتی ساکنان ساختمان شده است. نامبرده می افزاید که "وقتی مأموران وارد آپارتمان می شوند با ۶۰ دختر و پسر که با ظاهری زننده و نامناسب مشغول رقص و پایکوبی بودند روبرو می شوند." به گفته مقام انتظامی فوق : از آپارتمان مذکور ۱۰ لیتر مشروب، مقادیری حبشیش و گراس ضبط شده است. پس از این مقدمه چینی ها، نامبرده مدعی است که "علی رضا فرزانه فر قصد

داشت از راهی که سه نفر دیگر از مهمانان گریخته بودند، بگریزد. به همین منظور سعی کرد از بالکن یکی از اتاق ها پائین برود ولی به دلیل مستی و عدم وجود پست آویز کنترل خود را از دست داد و به پائین سقوط کرد." با این حال، فحواي عمومی در شهر این است که پاسداران او را از همان بالکن به پائین پرتاب کرده اند. در همین رابطه، آیت الله یزدی، رئیس قوه قضائیه کشور اظهار داشت که مرگ فرزانه فر "موردی جزئی" است و تعجب می کند که چرا این موضوع چنین ابعاد و انعکاس بزرگی یافته است.

### حمله انصار حزب الله به پیست دوچرخه سواری زنان

گروه انصار حزب الله، در پی فتاوی اخیر مراجع دینی جمهوری اسلامی، به تنها پیست دوچرخه سواری زنان ( واقع در چیتگر، ناحیه شرق تهران) حمله بردند ("کیهان"، ۹ مه ۹۶) و زنان و مردان حاضر در محل را مورد ضرب و شتم قرار دادند. نیروهای انتظامی حاضر در محل نیز هیچ گونه مداخله ای در جلوگیری از تهاجم نکردند.

### علی اکبر ناطق نوری : "متأسفم که هنوز رشدی زنده است"

آیت الله یزدی، رئیس قوه قضائیه جمهوری اسلامی، طی مصاحبه مطبوعاتی در تاریخ ۲۱ آوریل ۹۶، اظهار داشت که امیدوار است فتاوی قتل سلمان رشدی به مورد اجرا درآید. نامبرده افزود : این فتوا مربوط به همه مسلمانان است و سرانجام روزی در فرصت مناسب به اجرا گذاشته خواهد شد. به اعتقاد آیت الله یزدی : مسئله رشدی، نه با مذاکره و نه تحت فشار کشورهای بیگانه، بلکه با قتل نویسنده آیه های شیطانی، حل خواهد شد. از سوی دیگر، علی اکبر ناطق نوری، رئیس مجلس شورای اسلامی ایران، در تاریخ ۲۱ آوریل ۹۶، اعلام کرد : "متأسفم که سلمان رشدی هنوز زنده است."

### اعدام دو زندانی سیاسی

بنابه گزارش حزب کمونیست کارگری ایران، دو تن از اعضاء سابق این حزب که از ۶ سال پیش در زندانهای جمهوری اسلامی بودند، روز ۲۰

فروردین ۷۵، توسط جمهوری اسلامی ایران تیرباران شدند. این دو تن، سلیم صابرنیا و مصطفی قادری، که سالهای طولانی در صفوف حزب کمونیست ایران و سازمان کومه له، مبارزه می کردند، طی یک درگیری در سال ۶۹ در حالیکه بشدت زخمی بودند، بدست پاسداران به اسارت در آمده بودند.

## نوع جدید آدمکشی حزب الله

نشریه "ایران زمین" در شماره ۹۲ (دوشنبه سوم اردی بهشت ۷۵) گزارش داد: روزنامه جمهوری اسلامی در روز ۳۰ فروردین نوشت که انصار حزب الله به سرکردگی حسین الله کرم و حاجی بخشی، در برابر ساختمان خبرگزاری جمهوری اسلامی تجمع کرده و با بلندگو خطاب به کارگزاران این خبرگزاری تهدید کردند که خبرنگاران و مسئولان خبرگزاری رسمی و برخی از نمایندگان مجلس را به "دلیل بی اعتنائی به ارزش های انقلاب و طرفداری از لیبرالها" از بالای ساختمانهای خبرگزاری و مجلس به پائین پرتاب خواهند کرد.

## تلاش های اخیر جمهوری اسلامی ایران در جنوب لبنان

به گفته مقامات امنیتی اسرائیل ایران در صدد است که در منطقه جنوب لبنان یک نوار مرزی برقرار کند که کنترل به عهده نیروهای حزب الله طرفدار ایران خواهد بود. از سوی دیگر، براساس گزارش روزنامه Haaretz چاپ اسرائیل، جمهوری اسلامی ایران در هفته های اخیر بر کمک های مالی و تسلیحاتی خود از نیروهای حزب الله لبنان افزوده است ("برلینر سایتونگ"، ۱۴ مه ۹۶).

## محکومیت دو بهائی به اعدام

دولت جمهوری اسلامی مجدداً دو ایرانی متعلق به اقلیت دینی بهائی را به مرگ محکوم کرد. به دنبال اعتراض پاره ای از مقامات دولت آلمان به این اقدام، علی اکبر ناطق نوری از نمایندگان مجلس فدرال آلمان دعوت کرد که به ایران سفر کرده و از نزدیک به دلایل صدور حکم اعدام این دو تن از سوی مراجع قضائی جمهوری اسلامی پی ببرند. ویلی ویمر، نماینده حزب سوسیال مسیحی مجلس فدرال آلمان اظهار داشت که تلاشهایی را برای عفو این دو ایرانی آغاز کرده است. ("برلینر سایتونگ" ۱۳ مه ۹۶).

## جمهوری اسلامی بر کرسی اتهام دادگاه برلن (۲۰)

پنجشنبه ۴ آوریل ۹۶: در این جلسه رئیس دادگاه اعلام کرد که وزارت دادگستری آلمان به نامه دادگاه در مورد طرح سؤال از شاهدین ساکن ایران پاسخ داده است. در این نامه آمده بود از آنجا که میان آلمان و ایران قرار داد مربوط به مسائل حقوقی وجود ندارد، موضوع دخالت دستگاه قضائی ایران منتفی است و انجام بازپرسی در سفارت آلمان در تهران تردیدآمیز بنظر می رسد. دادستانی از نو نظر خود را در مورد شهادت سه شاهد ساکن ایران اعلام کرد و گفت هر سه شاهد می بایست غیرقابل دسترس اعلام شوند. وکیل دارایی گفت که در نامه وزارت دادگستری نامی از بهرام برنجیان برده نشده و می توان برای دعوت از او اقدام دوباره کرد. رئیس دادگاه در پاسخ گفت که این سه نفر وضع مشابهی دارند. بعد از آن پاسخ پلیس آخن در مورد پرونده اسمعیل الموسوی در دادگاه خوانده شد. وکیل امین تقاضا کردند که این پرونده مزبور به دادگاه آورده شود. سپس یوسف امین گفت با وجود اینکه تقاضای من رد شده، اصرار می کنم که یک متخصص غواصی به دادگاه برای شهادت دعوت شود. رئیس دادگاه پاسخ داد با وجود اینکه نظرم را قبلاً اعلام کرده ام، دوباره این موضوع را بررسی خواهیم کرد. سپس دادستانی نظر خود را در مورد تقاضای وکیل شاکي خصوصی، یشکه، اعلام کرد: در پرونده دادستانی مطلبی درباره مخابره گزارش بین سفارت ایران در بَن و ایران وجود ندارد. از آنجا که که برند اشمیت باوئر در دو جلسه ای که بعنوان شاهد در دادگاه حضور یافت، اعلام کرده است به غیر از اطلاعاتی که در اختیار دادگاه گذاشته اطلاع دیگری در اختیار ندارد، می توان نتیجه گرفت که او اطلاع جدیدی درباره تقاضای آقای یشکه ندارد و دو مسئول سازمان BND نیز اگر اطلاعات جدیدی داشتند در اختیار اشمیت باوئر قرار می دادند. در مورد سخنان دادستان کُل که گفته است محتوای حکم جلب فلاحیان عمدتاً مسائل مطرح شده در دادگاه میکونوس می باشد، باید بگویم که آنچه به مطالب فوق اضافه شده مربوط به دادگاه بختیار است. سپس رئیس دادگاه گفت که پرونده بازجوئی مجید توسکی را دادستانی در اختیار ما گذاشته است و

علاقمندان می توانند به آن رجوع کنند. پنجشنبه ۱۱ آوریل ۹۶: بلافاصله پس از شروع دادگاه، دادستان پرونده بازجوئی از حسن ابوالحسن در کانادا را در اختیار رئیس دادگاه گذاشت. متن بازجوئی به زبان انگلیسی بود و قرار شد که در هفته بعد ترجمه آلمانی آن در اختیار وکلا قرار بگیرد و احتمالاً بر اساس آن دوباره محمد جراره بعنوان شاهد به دادگاه احضار شود. سپس رئیس دادگاه قسمت هائی از حکم جلب علی صبرا ساکن لبنان فضل الله صدر (معروف به ابوجعفر) را خواند تا رسماً صدور حکم جلب این دو را اعلام کند. رئیس دادگاه سپس افزود: از حکم جلب علی فلاحیان صحبت نکردم، چرا که همه از آن با اطلاع هستند، مضاف بر اینکه قرائت حکم جلب علی فلاحیان از طرف ما (قضات) صورت نمی گیرد. در ادامه، او یکبار دیگر تقاضای امین مبنی بر دعوت از یک متخصص غواصی را رد کرد و سرانجام فهرست اسامی ایرانیانی که در اترناسیونال سوسیالیست (در تاریخ ۱۵ تا ۱۷ سپتامبر ۹۲) شرکت کرده بودند، اعلام شد. در میان اسامی صادق شرفکنندی، فتاح عبدلی (به عنوان نمایندگان حزب دموکرات کردستان ایران) و نوری دهکردی بعنوان مترجم به این اجلاس دعوت شده بودند. محل اقامت این نمایندگان از روی متنی انگلیسی خوانده شد.

پنجشنبه ۱۸ آوریل ۹۶: در ابتدا جلسه گزارش ۳۱ صفحه ای از دادگاه کانادا در مورد حسن ابوالحسن خوانده شد. اهم گزارش از این قرار بود که نامبرده تنها جراره را یکبار و در ارتباط با خریدن یک اتومبیل ملاقات کرده است. ابوالحسن در مورد تهدید جراره توسط ایاد ابراز بی اطلاعی کرده است. رئیس دادگاه افزود که هفته آینده جراره از نو به دادگاه احضار خواهد شد. سپس پانکا، یکی از وکلای دارایی مخالفت خود را با رأی دادگاه مبنی بر عدم دعوت از شاهد دارایی (کارمند هتل در ۱۳ سپتامبر ۹۲) که اکنون در آمریکا بسر می برد اعلام کرد. یوسف امین نیز از دادگاه خواست که ده نفری را که به گفته اسمعیل الموسوی با من در ایران تعلیم دیده اند، بعنوان شاهد به دادگاه احضار شوند. وی افزود که آدرس آنان را در اختیار ندارد، اما دادگاه می تواند از سفارت آلمان در بیروت کسب اطلاع کند که آیا این ده نفر وجود دارند و در صورت پاسخ مثبت آدرس آنان را بدست بیاورد.

پنجشنبه ۲۵ آوریل ۹۶ : پس از شروع دادگاه، رئیس دادگاه متن نامه ای از سوی وزارت دادگستری آلمان را قرائت کرد که براساس آن و از نظر این وزارتخانه احضار بهرام برنجیان از ایران، نظیر موارد نورآرا و قاسم دارابی است. سپس محمد جراره در جایگاه شهرد حاضر شد و در پاسخ به پرسش های دادگاه گفت که حسن ابوالحسن از او اتومبیلی خریداری و او را بیش از یکبار نیز ملاقات کرده است. جراره افزود : در جلسه ای که بردارش پیام تهدید ایاد را به او رسانده، ابوالحسن نیز حضور داشته است. سپس رئیس دادگاه متن مخالفت دادستان با احضار نعیمی از امریکا (شاهد مورد تقاضای وکیل دارابی) را خواند. سپس دادستان اظهار داشت : در لیستی که چند جلسه قبل مسئول نمایشگاه جهانگردی برلن به دادگاه ارائه کرده بود، نام نادر کجوری آمده است. نظر به اینکه نام وی چندین بار در ارتباط با امین ذکر شده و امین نیز در بازجویی های اولیه خود از او نیز نام برده است و با توجه به اینکه وکلای دارابی سعی می کنند که گفته های امین در بازجویی ها را نادرست اعلام کنند، تقاضا می کنم که این لیست رسماً در دادگاه خوانده شود. سپس رئیس دادگاه نامه دارابی را خواند. در این نامه آمده بود : من بی گناهم و هیچ رابطه ای با ماجرای میکونوس نداشته و ندارم و هیچ مدرکی نیز در این باره علیه من در دست نیست ؛ به استثناء چند مورد مکالمه تلفنی که با این حال حاکی از ارتباط من با این ماجرا یا با سازمان امنیت ایران نیست. در خاتمه می خواهم که دادگاه زودتر به کار خود پایان دهد. رئیس دادگاه سپس اعلام کرد : ما منتظر پاسخ BND به آقایان وکلای پیشکه و شیلی هستیم... و هفته آینده قرار است که مسئول بازجویی بهرام برنجیان به عنوان شاهد به دادگاه دعوت شود.

پنجشنبه ۲ مه ۹۶ : در این جلسه رئیس دادگاه پاسخ نامه سازمان اطلاعات خارجی آلمان (BND) به پرسش های پیشکه و شیلی را خواند : سازمان اطلاعات خارجی آلمان هیچ اطلاعی از یک مخابره میان سفارت جمهوری اسلامی و مقامات ایران در دست ندارد. الف) پایان سوّمقصد از طرف مرکز اروپا سازمان امنیت مخابره شده است. ب) یک مأمور حتی نام و محل اقامت قاتلان را مخابره کرده است و یا

اطلاعاتی شبیه به آن. سپس دادگاه نظر خود در مورد تقاضای وکلای دارابی مبنی بر احضار چهار شاهد ایرانی مقیم ایران را به شرح زیر اعلام کرد : این افراد غیرقابل دسترسی اعلام می شوند. نظر به واکنش آنان برای شهادت در دادگاه مشخص است که آنان اجازه خروج از ایران ندارند. دادگاه جلسه خود را به علت بیماری متهم محمد عطریس در ساعت ۱۰:۳۰ پایان داد.

پنجشنبه ۹ مه ۹۶ : در این جلسه رئیس دادگاه در مورد مسئله شهادت مجدد اشمیت باوئر اعلام کرد : نظر به اینکه نامبرده اعلام داشته که اطلاعات جدید و قابل ارائه به دادگاه در اختیار ندارد، در نتیجه حضور او در دادگاه فعلاً منتفی است. سپس در مورد پرونده دزدی اسمعیل الموسوی در آخن، رئیس دادگاه گفت : از آنجا که این پرونده شامل مرور زمان شده، غیرقابل دسترسی و از بین رفته اعلام شده است. رئیس دادگاه در مورد نادر کجوری گفت : نام او در فهرست ۵۲ تن از افرادی که در سال ۹۱ از طرف دولت ایران در نمایشگاه جهانگردی آلمان شرکت کرده بودند، در ردیف سی و ششم قرار دارد. بعد از آن آقای اشمیت پلیس و بازجوی بهرام برنجیان در دادگاه حاضر شد و گفت : قرار بازداشت موقت او صادر شده بود که او سر موقع به پلیس آمد و در مورد کلید خانه واقع در seufferberge Ring را از اشتیاقی گرفته بوده و قرار بر این بود که آن را در اختیار عموی علیرضائی بگذارد و چون موضوع منتفی شد آن را به یکی دیگر از دوستانش داد. او ابتدا حاضر نشد که نام این دوست را ببرد. با وکیل خود در اینباره تماس گرفت و پس از یک ساعت مشاوره با او، به دادگاه اعلام کرد که کلید خانه را به کاظم دارابی داده است. او در این رابطه افزود : کلید خانه را حوالی ۱۱-۱۲ سپتامبر به دارابی دادم و نزدیکی های ۲۰-۲۲ سپتامبر ۹۲ بازپس گرفتم. او تصریح کرد که تاریخ رد و بدل شدن کلید از آنرو به یادمانده که مصادف بود با جشن تولد پسر و بازگشتن زرم از بیمارستان به خانه. اشمیت بازجوی برنجیان نیز اشاره کرد : از مجموعه عکس هائی که به برنجیان نشان داده شد او عکس کاظم دارابی را که کلید خانه را به او داده بود شناخت و همچنین فرد دیگری بنام یوسف (امین) که به گفته برنجیان او را در مسجد

دیده بوده است. دادگاه به علت بیماری ایاد پیش از وقت مقرر پایان یافت.

\*\*\*

**گزارش :**

تحصن پناهجویان ایرانی در ترکیه دوپست و شصتیمین روز خود را پشت سر گذاشت. کمیته هماهنگ کننده تحصن پناهجویان ایرانی در ترکیه طی بیانیه ای بمناسبت دوپست و شصتیمین روز این اقدام جمعی به بررسی این حرکت پرداخته است.

تحصن در طول حیات خود کارزار وسیعی را علیه بی عدالتی و رفتارهای غیرانسانی اعمال شده از طرف کمیساریای عالی پناهندگان و دولت ترکیه از یکسو و از سوئی دیگر افشاگری و مبارزه علیه دیکتاتوری حاکم بر ایران براه انداخته است.

این تحصن در طول نه ماه گذشته بعنوان یکی از مهمترین رویدادهای پناهندگی ارزیابی شد و جایگاه ویژه ای را در مبارزات پناهندگان ایرانی بخود اختصاص داده است. دستاوردهای تاکتونی آن و حمایت کم نظیر آزادیخواهان و بشردوستان ایرانی و غیرایرانی در ترکیه و سراسر جهان گواهی بر این واقعیت است.

در این اطلاعیه که بتاريخ ۹۶/۴/۱۹ منتشر شده بود تحصن کنندگان خواستار برپائی تظاهرات همبستگی از سوی پناهندگان ایرانی مقیم کشورهای دیگر جهان در رابطه با خواسته های برحق خود شده بودند. در همین رابطه اقدامات و اکتیوونهای همبستگی در پاره ای از کشورهای اروپائی از جمله آلمان سوئد و کانادا از طرف پناهندگان ایرانی سازمان داده شد.

\*\*\*

**نشانی کمیته :**  
**Le Comité Iranien**  
**Contre la Répression**  
**et le Terrorisme**  
**d'Etat**  
**(C.I.C.R.E.T.E.)**  
**42- Rue Monge,**  
**75005 Paris-France,**  
**Fax:(33-1)43441452**

**شماره حساب پستی برای کمک های مالی :**  
**C.C.P.**  
**3943263 W la**  
**source France**